

# الباب الثاني من الواحد الثاني في ان لا يحيط بعلم ما نزل الله في البيان من احد الا من شاء الله.

حضرت باب

اصلي فارسي



## الباب الثاني من الواحد الثاني في ان لا يحيط بعلم ما نزل الله في البيان من احد الا من شاء الله.

ملخص این باب آنکه کسی احاطه بآنچه خداوند نازل فرموده در بیان نینماید "من يظهره الله" او من علمه علمه و مثل ذلك شجرة که بیان از او طالع شده زیرا که اگر جمیع اجزای سموات و ارض مداد شوند و کل اشیاء قلم و کل انفس محصی شوند نتوانند حرفی از حروف بیان را علی ما هو علیه تفسیر کنند اذ ما جعل الله لحرف منه اولاً و آخراً و اذن نیست از برای احدی که تفسیر کند بآنچه خداوند در بیان نازل فرموده الا کل حروف علیین را "بمن يظهره الله" و حروف حی او و کل حروف دون علیین را بابواب نار او زیرا که کل حروف علیین در ظل او محشور خواهند شد و کل حروف غیر علیین در ظل نفی محشور خواهند شد و قبل مثل بعد است لا تبدیل لامر الله چنانچه قبل قبل مثل بعد است

کل قرآن صد و چهارده سوره بوده و هر شش سوره در علو شأن هر حرفی از حروف "بسم الله الرحمن الرحيم" نازل شده که شش سوره اول از نقطه بوده و شش سوره آخر از میم و کل حروف علیین راجع باین مظاهر تسعة عشر میشود و کل حروف دون علیین راجع به مظاهر تسعة عشر ابواب نار میشود و کل ابواب نار راجع میشوند بباب اول چنانچه کل ابواب جنت راجع میشوند بباب اول که کل در کلمة ﴿لا اله الا الله﴾ جمع میشود آنچه از دون حروف علیین است در نفی و آنچه از حروف علیین است در اثبات و کل حروف دون



ORIGINAL



AUDIO

علیین قرآن در ظل اول باب نار فانی شده و کل حروف علیین قرآن در ظل کلمه اثبات باقی مانده کذلک  
یفنی الله من یشاء و یبقی من یرید انه قوی مقتدر قدیر

و جایز نیست تفسیر بیان الا بآنچه تفسیر شده از نزد شجره او و کل اسماء خیر او در انوار افتده مؤمنین باو لایق  
و کل حروف دون علیین او در حقایق دون مؤمنین باو جاری و لم تزل و لا تزال مثل بیان مثل نفس انسانی  
است که حی است و کل حروف نور و نار آن در آفاق و انفس مبین چنانچه امروز هر کس بخوهد تمیز دهد  
چونکه یوم ظهور الله است مقتدر ولی بعد از ارتفاع شجره لا یقدر احد ان یمیز بحقیقه الواقع الا علی حکم الظاهر  
من لم یتعد حدود الله فیه فهو من حروف العلیین و من یتعد فن دونه الا ان یفرجن الله عن ذلک الخلق بظهور  
نفسه یوم القیمه فاذا ما یحکم نقطه البیان فی اخرها من احکام الواقعیة الاولیة من یؤمن بها فن حروف العلیین و  
من لم یؤمن بها فن دونها و الله یفصل بینهما بالحق انه هو خیر الفاصلین

و امر بجائی میرسد که از حروف غیر علیین دیگر ذکر نمیمانند الا در کتاب و همان شجره نفی خود را از حروف  
علیین میداند و بر نفس خود من حیث لا یعلم لعن میکند تا آنکه طالع شود آفتاب حقیقت که آنوقت بروز  
میکند عدم ایمان او چنانچه هر کس در این قیامت بود این مطلب را بعین یقین ملاحظه نمود چنانچه کل  
میگویند امروز که ما مؤمن بالله و آیات قرآن هستیم و حال آنکه شجره حقیقت که منزل قرآن بوده در این جبل  
ساکن است با یک نفس وحده این قسم در ظهور شمس حقیقت حقایقها منکشف میگردد و حجبها مرتفع  
نفوسیکه خطوط بر ایشان نمیکرد دون رضاء الله فتوی بآنچه قلم حیا میکند از ذکر آن بمعن رضاء که رضاء الله  
ظاهر نمیشود الا برضای او میدهند فلتعتبرن یا اولی الابصار ثم من امر الله تتقون.

